



به قول یکی از دوستان، روزمرگی ما را کشت، خدا رحمت کند بانیان اعتکاف را، این هم یکی از ثمرات نظام مقدس جمهوری اسلامی است. حداقل سالی، سه روز هم که شده، از روزمرگی انسان را نجات می دهد، گوشه خلوتی برای خود انتخاب می کند، فارغ از همه هیاهوها، جنجالها، آلودگی های صوتی و ... ، عمر گذشته را ورق می زند پیشیمان می شود و خودش را در معرض نفات غیبی قرار می دهد، برای سال آینده خود را مجهز می کند. خیلی بد زمانه ای شده، واقعاً آسیب پذیر شدیم، باید دعا کنیم، باید توسل، جزء لاینفک برنامه هایمان باشد. حالا که خدا- آن مهربان- دست ما را گرفته و آورده در خانه خودش نشانده، آن هم در ایام البیض ماه رجب، ماه آمادگی برای میهمانی خدا در رمضان. عجب سعادت! حالا که ما را دعوت کرده، ما هم سنگ تمام گذاشته به معنای واقعی کلمه باید معتکف باشیم، باید گوشه خلوتی انتخاب کرده و عبادت کنیم و فقط به یاد او باشیم خانه دل را باید از غیر دوست خالی کرده و معتکف کوی یار باشیم و بگوییم:

گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه

مهمترین دغدغه ای که من دارم ترس است، ترس از اینکه به محبوب خود نرسم. دغدغه ی مهمی است باید از ته دل بگوییم: (یا امان الخائفین) امانمان بده. مقداری هم حیرت و سرگردانی دارم، همه می خواهند انسان را به سوی خود جذب کنند؛ اما ما باید جذب خدا شویم، نفس و شیطان با لطایف الحیل راهزن شده اند. آری؛ در این جور موارد باید گفت: (یا دلیل المتحیرین) دستمو بگیر و از این حیرت و سرگردانی نجات بده. و با التماس و تضرع این دو بیٹی را زمزمه کرده و استمداد می طلبید:

نه در مسجد دهندم ره که رندی نه در میخانه کاین خمار، خام است

میان مسجد و میخانه، راهی است غریبم عاشقم، این ره، کدام است

هنوز نا امید نشده ام، خیلی امیدوارم! در این سه روز خیلی از حاجت هایم را می گیرم. حجاب های ظلمت و حجاب های نورانی را با کمک امام زمانم، کنار می زنم؛ امراض روحی خود را درمان می کنم؛ انشاء اله حسد و کبر و بخل و حرص و ... را از مزرعه وجود خود کنده و بیرون می اندازم. دیگر عبادت هایم مرا مغرور نمی کند و دچار عجب و خود پرستی نمی شوم و این حجاب های نورانی را پاره می کنم. به امید اعتکافی دیگر که شاید حضوری دست دهد بگوییم: این جان عاریت را (روی رخس بینم و تسلیم وی کنم)

محمد فتح الله زاده